

«فرایند انتقال اموال و کارکردهای قلمرو دولت به بخش خصوصی، خصوصی سازی نامیده می شود. دولت رونالد ریگان و جمهوریخواهان محافظه کار، به طور کلی طرفدار خصوصی سازی آن بخش از اموال و کارکردهای دولت بودند که می توانست با هزینه کمتر و با کارایی بیشتر به دست بخش خصوصی اداره شود... برخی از حامیان افراطی خصوصی سازی، حتی خواستار انتقال تأمین اجتماعی، آموزش و بهداشت عمومی به بخش خصوصی بودند.»<sup>۳</sup>

البته این، صورت مسئله است و بحث هزینه کمتر و کارایی بیشتر در میان نبود. هدف این خصوصی سازیها، نجات شرکتهای فراملی و در کلیت خود، نجات آمریکا از بحران اقتصادی بود. بحرانی که کشورهای غربی در کل با آن مواجه بودند. «هربرت شیلر» در این رابطه می گوید:

«بخش عمومی صرفاً یک کارکرد منفرد اجتماعی و یکبارچه نیست و عملاً آمیخته ای در عملکردهای یک ماشین (سوروکراسی) است، مجموعه ای از کارکردهای اجتماعی و دستگاهی که از نیروی فهریه هم برخوردار است... بخش عمومی برآیند بلا فصل و پیوسته مبارزات اجتماعی و بحران های سیاسی - اقتصادی است... در اطراف قلمرو بخش عمومی، سپهر شرکتهای قرار گرفته که به ظرافت بخش خصوصی نامیده شده است... بخش اعظم این شرکتهای، سهم فزاینده درآمدها را از فعالیت های بین المللی کسب می کنند. افزایش تمرکز قدرت و ثروت در سپهر شرکتهای در دهه های اخیر حیرت آور بوده است... هنگامی که شکوفایی - مبتنی بر بازسازی پس از جنگ (دوم) در خارج از آمریکا و همچنین گسترش بازار داخلی - به طول انجامید، ساختار شرکتهای قادر شد بخش روبه گسترش رفاه اجتماعی را - که خود تا حدودی در آن نقش داشت - تحمل کند... و بالاخره هنگامی که شکوفایی روبه افول گذاشت و بازارها از حالت رقابتی خارج شد، نگاه کنترل کنندگان شرکتهای آمریکایی به طرز قابل انتظار تغییر کرد، درخواست برای امتیازات اقتصادی از دولت بالا رفت و تعهدات شرکتهای به رفاه اجتماعی، به حداقل رسید.»<sup>۴</sup>

و به این ترتیب بود که شرکتهای بخش خصوصی عملاً وارد مرحله امتیاز گرفتن از بخش دولتی شدند و با توجه به قدرتی که از

# خصوصی سازی ارتباطات

## نقش آمریکا در جهانی شدن یک پدیده

### یونس شکرخواه

بین المللی ارتباطی ملاحظاتی عمیقی به وجود آورده است. منتقدان نگران این مسأله هستند که خصوصی سازی در خدمت ثروتمندان - چه کشورها و چه شرکتهای در آید و ضعفها را در موضع وابستگی بیشتر نسبت به قدرتمندان قرار دهد.»<sup>۱</sup>

یکی از این منتقدان «هربرت شیلر» (Herbert I. Schiller) آمریکایی از پیشروان مطالعات انتقادی در زمینه ارتباطات است. او درباره خصوصی سازی می گوید:

«یکی از ویژگی های صحنه نهادینه شده کنونی که غفلت از آن دشوار است، موج خصوصی سازی است، موجی که جامعه آمریکا را درنوردیده و در حال عقب راندن و حتی حذف قلمروهایی است که به لحاظ تاریخی، عمومی و غیرتجاری بوده اند. این موج بیشترین تأثیرات را بر امنیت فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و اقتصادی اکثر مردم گذاشته است.»<sup>۲</sup>

«هربرت شیلر» به موجی اشاره می کند که در دهه ۱۹۸۰ شتاب گرفت. این موج در حقیقت برای مدیریت بحران اقتصادی غرب ایجاد شد و در آمریکا به ویژه در دوران زمامداری رونالد ریگان پا گرفت.

فرهنگ دولت آمریکا و سیاست در مدخل خصوصی سازی می نویسد:

مقررات زدایی (Deregulation) و خصوصی سازی (Privitization) دو اصطلاح اقتصادی هستند که به عرصه ارتباطات وارد شده اند.

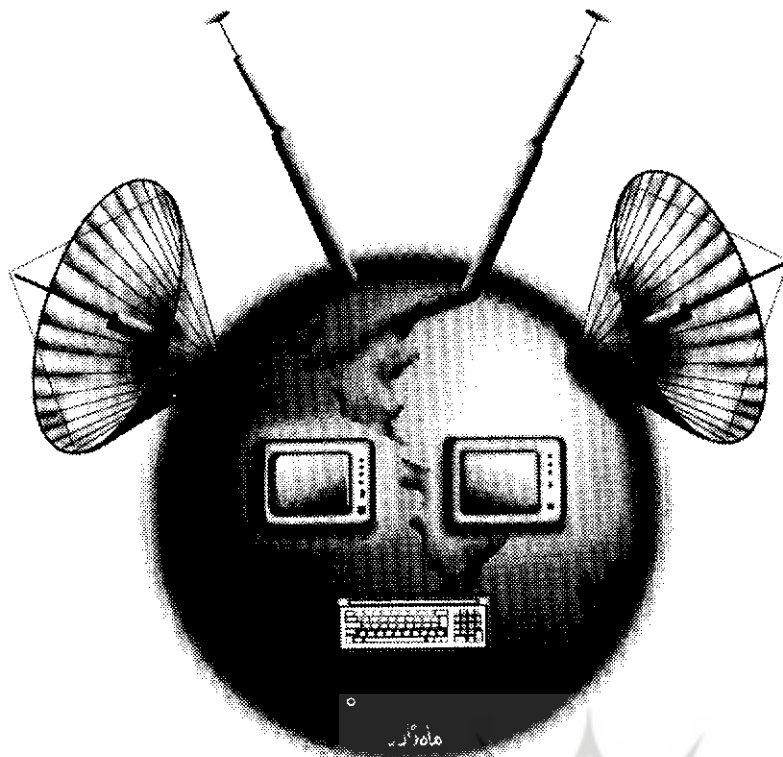
هدف این مقاله بررسی مضامینی است که پشت این دو واژه در قالب یک ادبیات تازه ارتباطی پدیدار شده است.

### طرح مسأله

مقررات زدایی، در فرهنگ «ارتباطات و مطالعات رسانه ای» چنین تعریف شده است:

«معرف فرایندی است که طی آن کانالهای ارتباطی به ویژه رادیو و تلویزیون بر روی افرادی فراتر از مالکان فرانشیزهای کنونی گشوده می شود. اصطلاح دیگری که در این زمینه مطرح است، خصوصی سازی است که بر ماهیت عملی انتقال کنترل عمومی به کنترل تجاری (وسایل ارتباطی) تأکید می ورزد. این انتقال از بخش عمومی به بخش خصوصی به ویژه پس از توسعه ویدئو و تلویزیون کابلی شتاب گرفته است. یک نمونه بارز خصوصی سازی، تصمیم دولت انگلیس در سال ۱۹۸۲ بود که طی آن به بخش خصوصی اجازه داد تا با «تله کوم» (Telecom) انگلیس در زمینه بخش ماهواره ای، در قالب کمیته خصوصی «مرکوری» (Mercury) به رقابت بپردازد.

مقررات زدایی برای نظامهای ملی و



جنبه سرمایه و تأثیرگذاری در کانونهای قدرت داشتند، به روند خصوصی سازی شتاب بخشیدند. شیلر یکی دیگر از عوامل شتاب دهنده به این روند را رشد خارق العاده نظام فراملی از طریق تکنولوژیهای نوین اطلاعاتی اعلام می کند. از نظر شیلر این تکنولوژیها باعث شده اند تا عملیات شرکتهای فراملی تسهیل شود.

در همین چارچوب توجه به نظرات «آرماند ماتلار» (Armand Matelart) نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. پروفیسور ماتلار که در زمینه علوم ارتباطی و اطلاع رسانی چهره ای برجسته به شمار می آید و در دانشگاه رنس (Rennes) تدریس می کند، در این باره می گوید:

«اکنون بین المللی شدن، دیگر آن چیزی نیست که قرار بود باشد. بین المللی شدن تا دیروز به سپهر مبادلات مالی و تراز پرداختها در محصولات فرهنگی منحصر می شد، اما اکنون به ساختار نظامهای ارتباطی دولتهای ملی حمله می کند... در حال حاضر، مرحله ای تازه در مورد جهان رسانه ای در حال تحقق است. برای ورود به این رژیم حقوقی، اقتصادی و سیاسی یک واژه جوابگوست: خصوصی سازی»<sup>۵</sup>

ماتلار واژه خصوصی سازی را گنگ می نامد. او مبنای بروز این پدیده را سیاستمداران و اقتصاددانان نئولیبرال آمریکا می داند. و این عده کسانی هستند که خواهان پدیده ای به نام دولت کوچکتر هستند. ماتلار می گوید برخلاف آنچه گمان می رود، مقررات زدایی محصول یک تحول خود بخودی نیست، ماحصل یک اراده سیاسی است. ماتلار به نکته ای بسیار دقیق اشاره می کند:

«پروژه مقررات زدایی در واقع یک پیشنهاد برای بازسازی گستره عمومی (Public Space) است و به همین دلیل بر تعریف دوباره مفهوم آزادی بیان دلالت می کند و به این ترتیب آزادی بیان شهروندان را به رقابت با آزادی بیان شرکتی و تجاری می کشاند»<sup>۶</sup>

تلقی ماتلار در واقع خصوصی سازی را در راه فتح قلمروهای فتح نشده فردی و جمعی نشان می دهد و آنچه که آزادی بیان شرکتی و یا آزادی بیان تجاری نامیده می شود، چیزی نیست جز اجازه یافتن شرکتهای بزرگ و فراملی برای تبلیغات، آن هم بدون هیچ مانعی. شرکتهای فراملی در واقع می خواهند پیامهای

در مرحله بعدی، این شبکه ماهواره ای اینتلسات (INTELSAT) بود که دستخوش موج خصوصی سازی شد. اینتلسات که در دهه ۱۹۶۰ علیه سیستم اینتراسپوتنیک (Intersputnik) شوروی سابق به میدان آمده بود، در دوران ریگان یعنی در جولای ۱۹۸۵ خصوصی شد. ریگان تصمیم خود را در این باره در نوامبر ۱۹۸۴ اعلام کرده بود. گفتنی است که ۱۰۹ کشور از خدمات ماهواره های اینتلسات در زمینه ارتباطات بین المللی استفاده می کردند و لذا این خصوصی سازی - که تعرفه ها را بالا برد - برای آنها تأثیرات منفی به بار آورد و این در حالی است که بدانیم اینتلسات ۱/۳ ترافیک تلفن های جهان و پخش بین قاره ای تلویزیون ها را هم در اختیار دارد. و به همین ترتیب بود که نخستین ماهواره بین المللی بر فراز اقیانوس اطلس با نام «پان ام ست» (Pan Am Sat) توسط دولت انگلیس بالا رفت، یعنی توسط تله کوم که خود آن هم در سال ۱۹۸۴ خصوصی شده بود. دولت مارگرت تاچر هم در سال ۱۹۸۸ اجازه فعالیت شرکتهای خصوصی در زمینه پخش ماهواره ای را رسماً صادر کرد. در مورد آمریکا نیز نکته جالب اینجاست که این کمیسیون ارتباطات فدرال (FCC) است که علی رغم مأموریت خود از سال ۱۹۳۴ - که واضع قوانین و مقررات در عرصه رسانه ها و ارتباطات دوربرد بوده - حالا

تجاری خود را با سپر آزادی بیان به میدان مصرف کنندگان بفرستد. آنها به متمم اول قانون اساسی آمریکا که کنگره را از وضع هر قانونی علیه آزادی بیان منع می کند، استناد می کنند و معتقدند شرکتهای تجاری هم باید از حق آزادی بیان - در تبلیغ پیامهای بازرگانی - برخوردار باشند. از دیگر سو شیلر هم بر همین نکته انگشت می گذارد و از آن با عنوان مقوله ای تکان دهنده یاد می کند:

«دیوانعالی در یک مورد در سال ۱۹۷۸ چنین حکم داد که بیان شرکتی نظیر آزادی بیان فردی تحت حمایت متمم اول قرار می گیرد. در این تفسیر تکان دهنده که البته با تفسیرهای پیشین از اعلامیه حقوق معنایرتی نداشت، همدمستی خصوصی سازی و قدرت شرکتهای به چشم می خورد»<sup>۷</sup>

به هر تقدیر موج خصوصی سازی به راه افتاد و در اول ژانویه ۱۹۸۴ شبکه تلفن آمریکا یعنی بل سیستمز (Bell Systems) که متعلق به شرکت تلگراف و تلفن آمریکا (AT & T) بود، خصوصی شد و به عبارت بهتر دوران تازه ای آغاز شد که براساس آن بخش خصوصی می توانست ۸۰ درصد خطوط تلفن را اداره کند. البته سیستم بانکداری آمریکا در دهه ۷۰ این امر را تجربه کرده بود و لذا خصوصی سازی در عرصه ارتباطات در آمریکا را باید گام دوم در زمینه خصوصی سازی تلقی کرد.

■ **هربرت شیلر: خصوصی سازی در حال عقب راندن و حتی حذف قلمروهایی است که به لحاظ تاریخی، عمومی و غیر تجاری بوده اند.**

■ **در اطراف قلمرو بخش عمومی، سپهر شرکتها قرار گرفته که به ظرافت بخش خصوصی نامیده شده است. افزایش تمرکز قدرت و ثروت در سپهر شرکتها در دهه های اخیر حیرت آور بوده است.**

پشتتاز مقررات زدایی شده است.<sup>۸</sup>

در هر حال، موج خصوصی سازی در امریکا از دیدگاه ماتلار به ترتیب این جبهه ها را مورد تهاجم قرار داده است. عرصه دیداری - شنیداری، برنامه های کودکان، تغییر رژیم تمرکز در مالکیت رسانه ها و بالاخره تلویزیون کابلی.

### مفاهیم گوناگون

در هر حال، آنچه به نام خصوصی سازی یا مقررات زدایی مطرح می شود، در کشورهای گوناگونی که تلاش کرده اند آن را در عرصه اقتصاد تجربه کنند، با نامهای گوناگونی مورد استفاده قرار گرفته است، اولویت دهی، انتقال صنعتی، غیردولتی کردن، سرمایه داری مردمی، آزادسازی اقتصادی، واگذاری شرکتهای دولتی، برنامه فروش دارایی ها، واگذاری سرمایه گذاریها و بازسازی از جمله اسامی اطلاق شده به روندی است که طی آن دولتها، در هر سطحی، امکان انتقال وظایف و تأسیسات را از بخش عمومی به بخش خصوصی بررسی کرده و در صورت لزوم به چنین انتقال قدرتی مبادرت می ورزند.

به راستی این واژه جادویی دهه هشتاد، یعنی واژه ای دورانی که سرشار از بلندپروازیهای مارگرت تاچر نخست وزیر انگلیس و رونالد ریگان رئیس جمهور امریکا بود، چه مفهومی دارد؟ خوشبختانه انتظارات دهه هشتاد تا حد زیادی در برخورد با واقعیت های سرسخت، فروکش کرده است.

### حقیقت ماجرا

به نظر می رسد روند خصوصی سازی در ارتباطات هم عملاً با فروپاشی شوروی شتاب گرفته است. دکتر کاظم معتمدنژاد استاد گروه علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی در این باره می نویسد:

«از اوایل دهه ۱۹۸۰، در همان حال که کشورهای جهان سوم با برخورداری از حمایت تاکتیکی و مصلحتی شوروی،

برای معارضه جویی بی رقیب آن در دنیای «یک قطبی» و عصر «پایان تاریخ» مطرح گردیدند.

استراتژی ارتباطی نوین (New Communication Strategy) یونسکو که همزمان با تحولات اخیر از سوی کنفرانس عمومی آن مورد تصویب قرار گرفت، نیز در انطباق با روند «جهانی سازی اقتصادی» فرهنگ و ارتباطات با طرد برنامه ها و اقدام های ۲۰ سال گذشته این سازمان بین المللی در جهت نیل به تعدل اطلاعات و برابری ارتباطات، بار دیگر مانند سالهای آغاز تأسیس یونسکو و ادامه فعالیتهای آن در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بر جریان آزاد اطلاعات در سطح جهانی و در سطح داخلی کشورها تأکید گذاشت و بدین منظور، برای تأسیس و توسعه «وسایل ارتباط جمعی آزاد، مستقل و کثرت گرا» در سرتاسر دنیا اولویت خاصی قابل شد.<sup>۹</sup>

دکتر معتمدنژاد در اینجا به عبارت نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات (NWICO) اشاره می کنند. این اشاره کوتاه در حقیقت اشاره به تاریخ یک جریان فراگیر است، جریانی که از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد. اشاره ای به پیشینه این بحث، روشنگر ابعاد ماجراست:

«مفهوم NWICO عمدتاً در گروههای بین دولتی نظیر جنبش عدم تعهد و یونسکو شکل گرفت... در دهه هشتاد نیز اهمیت این جنبش با انتشار سند تاریخی یک جهان، چندین صدا، ارتباطات و جامعه، امروز و فردا و یا همان گزارش معروف به مک براید به اوج خود رسید... شانزده عضو کمیسیون مک براید که نمایندگان طیف جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی جهان بودند... علی رغم آنکه آرا و استنباطهای مختلفی از مفهوم NWICO داشتند، برسر این نکته که کشورهای جنوب از جنبه مناسبات اطلاعاتی موجود در وضع نامساعدی قرار دارند، اتفاق نظر داشتند... پس از انتشار این سند، یونسکو که پس از طرح NWICO از سوی غیرمتعهدها در ۱۹۷۶ از آن حمایت عمیق سازمانی و فکری به عمل آورده بود، تحت حمله شدید قرار گرفت. این حمله از سوی یک ائتلاف به سرکردگی امریکا و گروههای حافظ منافع بخش خصوصی مثل کمیته جهانی آزادی مطبوعات<sup>۱۱</sup>، سایر رسانه های تحت نفوذ شرکتها و وزارت خارجه امریکا صورت گرفت... آنها یونسکو را به ترغیب «کنترل رسانه ها

برای مقابله با سلطه فرهنگی و ارتباطی قدرتهای بزرگ سرمایه داری و عوارض آن در ایجاد عدم تعادل اطلاعات و نابرابری ارتباطات در راه استقرار یک نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات (NWICO)<sup>۱</sup> تلاش می کردند، در ایالات متحده امریکا، برای پیشرفت گسترده تر هدفهای اقتصادی سرمایه داری و بهره برداری بیشتر از امکانات و تکنولوژی ها و محصولات فرهنگی و ارتباطی و خبری آن، سیاستها و خط مشی های جدیدی در مورد مقررات زدایی، خصوصی سازی و آزادسازی (Liberalization) تمام فعالیتهای صنعتی و بازرگانی مربوط به فرهنگ و ارتباطات به اجرا گذاشته شد. بر اثر این تصمیم گیری های تازه، که از هسته مرکزی نظام جهانی حاکم، در ایالات متحده امریکا آغاز گردیدند و به سرعت کشورهای نیمه پیرامونی آن در اروپای غربی و ژاپن و نیز بسیاری از ممالک پیرامونی در آسیا و امریکا لاتین و افریقا را فراگرفتند، تمام برنامه ها و کوششهای کشورهای جهان سوم در دستیابی به «نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات» - که در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در چارچوب سازمان جنبش کشورهای غیرمتعهد و یونسکو تعقیب می شدند - به طور غیرمستقیم خنثی گردیدند. سپس دیری نگذشت که به موازات افزایش بحران داخلی اتحاد شوروی و نزدیکی از هم گسیختگی بلوک سوسیالیستی وابسته به آن و تضعیف و تزلزل وضع کشورهای جهان سوم - همراه با رکود فعالیتهای جنبش کشورهای غیرمتعهد و به دنبال تغییر مدیریت یونسکو - از اواخر سالهای ۱۹۸۰، آرمانهای مربوط به «نظم نوین جهانی» قدیمی یادشده، به فراموشی سپرده شدند. تا آنکه در سال ۱۹۹۱، همزمان با آخرین مراحل فروپاشی اتحاد شوروی و عملیات نظامی ایالات متحده امریکا و متحدان آن در جنگ خلیج فارس، هدفهای «نظم نوین جهانی» تازه مورد نظر رئیس جمهوری وقت امریکا

توسط دولت‌ها و کمک به سرکوب آزادی مطبوعات، متهم کردند.<sup>۱۲</sup> یونسکو علی‌رغم این اتهامات و در عین حال علی‌رغم تهمت‌هایی که به مختار امبو<sup>۱۳</sup> مدیرکل وقت یونسکو زده شد، از حمایت NWICO دست برنداشت. در نوامبر ۱۹۸۳ نیز با تصویب شدن «اصول بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری»<sup>۱۴</sup> از سوی جامعه حرفه‌ای روزنامه‌نگاران، روزنامه‌نگاران به حمایت از NWICO فراخوانده شدند (اصلی دهم)<sup>۱۵</sup>.

افزون بر این، کنفرانس رسانه‌ای غیرمتعهدها در دسامبر ۱۹۸۳ در دهلی‌نو نیز با صدور بیانیه‌ای<sup>۱۶</sup> خواهان تشدید تلاش‌هایی در راستای تحقق NWICO شد و در پایان همین سال بود که وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد، واشنگتن از یونسکو عقب خواهد نشست. این تهدید در دسامبر سال ۱۹۸۴ حالت عملی به خود گرفت و آمریکا رسماً از عضویت یونسکو خارج شد. یک‌سال بعد، انگلیس متحد ثابت آمریکا نیز یونسکو را ترک کرد. گفته می‌شود آمیزه‌ای از نگرانی‌ها پیرامون آنچه که سیاسی شدن یونسکو نامیده شده و همچنین مواضع ضداسرائیلی آن باعث خروج ائتلاف انگلو-امریکن از یونسکو شده است، اما بی‌تورید نمی‌توان این نکته را که NWICO عملاً با روند خصوصی‌سازی موردنظر آمریکا و انگلیس در مغایرت بود، نادیده انگاشت.

با خروج آمریکا و انگلیس از یونسکو، سازمان ملل و یونسکو هم رسماً حمایت از NWICO را متوقف ساختند. یکی از دلایل این امر، نفوذ بی‌سابقه فراملی‌ها در عرصه ارتباطات بود که کمیسیون مک‌براید بر آن انگشت نهاد. به‌طور هم‌زمان، فروپاشی شوروی و بلوک شرق هم در این اتفاقات، تأثیرات خود را داشت، اما به هر حال، نقطه چرخش آشکار یونسکو، بیست‌و‌چهارمین کنفرانس عمومی آن بود (۱۹۸۷) و آن هنگامی بود که فدریکو مایور<sup>۱۷</sup> اسپانیایی ریاست آن را بدست گرفت. او رسماً اعلام کرد «مفهوم نظم نوین جهانی اطلاعات را رد می‌کند»<sup>۱۸</sup>. در بیست‌و‌پنجمین کنفرانس عمومی یونسکو هم که برنامه میان مدت پنج‌ساله (۱۹۹۰-۹۵) مطرح شد، به NWICO فقط در مقدمه سند استناد شد.

یونسکو در ادامه روند فاصله گرفتن از آرمان‌های جهان سوم در اجلاس بیست‌و‌هشتم

■ **ارماند ماتلان: در حال حاضر، مرحله‌ای تازه در مورد جهان رسانه‌ای در حال تحقق است. برای ورود به این رژیم حقوقی، اقتصادی و سیاسی یک واژه جوابگوست: خصوصی‌سازی.**

■ **ماتلان: مقررات زدایی محصول یک تحول خودبخودی نیست، ماحصل یک اراده سیاسی است.**

انگلیس هم به این ساختار جهانی بازگردند. او گفت: یونسکو باید جریان آزاد اطلاعات را تضمین کند و برنامه‌های ارتقای نظم نوین جهانی اطلاعاتی که توسط جهان سوم و بلوک شرق مطرح شد، دنبال نخواهد شد.

اجلاس‌های بیست‌و‌پنجم و بیست‌و‌ششم و بیست‌و‌هفتم پاریس (۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳) هم با تعقیب موضوعات قبلی دنبال شد و همان‌گونه که ذکر شد طرح پنج‌ساله سازمان نیز تصویب شد (۹۵-۱۹۹۰) و باز همان‌گونه که ذکر شد این برنامه فقط در مقدمه خود و نه در بخش‌های اجرایی از NWICO یاد کرد.

### اجلاس بیست‌و‌هشتم (پاریس - ۱۹۹۵)

این اجلاس برنامه پنج‌ساله یونسکو برای سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۶ را بررسی و تصویب کرد. تصویب برنامه میان مدت یونسکو و مقولات آموزش همگانی برای طبقات محروم، زنان و جوانان، اولویت آموزش‌های پایه، تقویت آموزش دانشگاهی و توسعه اجتماعی و فرهنگی از جمله محورهای موردبحث اجلاس بیست‌و‌هشتم بود.

### دیدگاه‌های آمریکا

آمریکا در حال حاضر بر سه محور تأکید می‌کند و آنها را برای ایجاد رفرم در یونسکو ضروری می‌داند: نظم مالی و بودجه‌ای، رفرم در سطوح مدیریتی و تغییر در برنامه‌های یونسکو (سیاست زدایی).

آمریکا که فدریکو مایور را مردی «خوش‌نیت، اما مدیری ضعیف» می‌داند حتی اگر مایل به بازگشت به یونسکو باشد با سه مشکل حل نشده مواجه است: اصرار به اخراج اسرائیل، تأکید بر حقوق خلق‌ها (ضدیت با فردگرایی) و تأکید بر NWICO (میدان اصلی حمله به امپریالیسم خبری آمریکا) از سوی اعضای یونسکو. و بالاخره اینکه پس از انتشار گزارش مک‌براید در ژانویه ۱۹۸۰ (یک جهان، چندین صدا)، جنبش مک‌براید هم زنده است.<sup>۱۹</sup>

خود نیز در پاریس (۱۹۹۵) برنامه پنج‌ساله یونسکو را برای سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ و همچنین بودجه ۵۰۰ میلیون دلاری آن را تصویب کرد. این برنامه نیز به‌طور کامل موضوع NWICO را مختومه ساخت. نگاهی گذرا به روند حرکت یونسکو از مقطع خروج آمریکا از این سازمان، حقایق متعددی را آشکار می‌سازد.

### یونسکو پس از خروج آمریکا

همان‌گونه که ذکر شد آمریکا در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۴ پس از اینکه ۳۸ سال از عضویت در یونسکو بهره برد، آن را ترک کرد. نیروی دریایی آمریکا به ویژه از پروژه اقیانوس‌نگاری یونسکو بیشترین بهره‌برداری را کرد. آمریکا یکی از دلایل خروج خود از یونسکو را سیاسی شدن این سازمان ذکر کرد و این در حالی بود که سازمان مزبور با تنوع دیدگاه‌های ۱۶۶ عضو خود نمی‌توانست، مضمون سیاسی نداشته باشد. علت‌های دیگری که آمریکا آنها را دلایل خروج خود برشمرد، اعتقاد به سانسور و کنترل توزیع اخبار و کنترل دولت‌ها بر مطبوعات و محدودیت آزادی‌های فردی در یونسکو بود. پس از خروج آمریکا، هیأت اجرایی یونسکو شروع به متقاعدساختن غرب کرد مبنی بر اینکه یونسکو از «رویارویی» فاصله می‌گیرد.

### بیست‌وسومین کنفرانس عمومی یونسکو (صوفیه - ۱۹۸۵)

هیأت شرکت‌کننده مجدداً بر NWICO پای فشردند، اما هیچ گام عملی از سوی یونسکو در این‌باره برداشته نشد، سمینارهای کارشناسان ملعی و انتشارات هم متوقف شد.

### بیست‌و‌چهارمین کنفرانس عمومی یونسکو (پاریس - ۱۹۸۷)

فدریکو مایور مدیرکل یونسکو شد و اعلام کرد یونسکو را به ریشه‌های آموزشی ملی و فرهنگی خود بازخواهد گرداند و به نحوی برنامه‌های خود را دنبال می‌کند تا آمریکا و

خصوصی سازی در ارتباطات در واقع ردپای گسترش پارادایم نوسازی را به نمایش می گذارد. نکته دیگری که از این بحث ها تاکنون به دست می آید، این است که آمریکا عامدانه از طریق خصوصی سازی وسایل و نهادهای ارتباطی می کوشد، آخرین سنگرهای دولتهای جهان سوم را فتح کند و به واقع آئین جریان آزاد اطلاعات خود را که چیزی جز نمای تئوریک اقتصاد آزاد و بازارهای آزاد نیست، جایگزین NWICO سازد. به دیگر زبان، آمریکا دارد به همان استراتژی خنثی سازی حرکت های جهان سوم ادامه می دهد. آنچه اینک صورت می گیرد، استمرار همان خروج ۱۹۸۴ آمریکا از یونسکو است و از آنجایی که مقابله آمریکا با جهان سوم و همچنین بنوک شرق نتیجه نداد، به خصوصی سازی در زمینه ارتباطات رو آورده است تا به طور همزمان، هم حافظه تاریخی جهان سوم را پاک کند و هم مضامین دلخواه خود را در آن جا دهد:

«جریان آزاد اطلاعات روایت قرن

بیستمی تجارت آزاد است... حاکمیت رسانه های فراملی بر اطلاعات به قانون گذاری توسط سازمان ملل نیاز دارد... وقتی پول (Pool) خیرگزاری غیرمتمهدها در سال ۱۹۷۶ اعلام موجودیت کرد و یونسکو و مجمع عمومی سازمان ملل از گزارش کمیسیون مک براید حمایت کردند، انحصارات غربی آن را تهدیدی علیه خود قلمداد کردند. عقب نشینی آمریکا از یونسکو به نظام پیشنهادی نوین اطلاعاتی، ارتباط دارد.»<sup>۲۵</sup>

به عبارت بهتر، خصوصی سازی آمده است تا حاکمیت و استقلال ملی را با گلوله های جریان آزاد اطلاعات از پا در آورد و کنترل امنیت ملی و حفظ حریم ملی را که سپر حفاظتی جهان سوم در برابر غرب است، از دست حاکمیت های ملی خارج سازد. این تقابل عملاً فضایی مبتنی بر موارد زیر را رقم می زند:

۱. کشمکش بر سر ارزشهای بنیادین موجود در عملکرد شبکه های ارتباطی و اطلاعاتی نظیر مفهوم شبکه عمومی، نقش علیتی تکنولوژی و مفهوم حاکمیت؛  
 ۲. کشمکش آشکار در سطح صنعت که به اهداف و منافع بازیگران بزرگ اقتصادی مربوط می شود؛

۳. کشمکش میان کشورها، مشتمل بر آمریکا و سایر کشورهای لیبرال، کشورهای اروپایی دارای وزارتخانه پست و تلگراف و تلفن و بسیاری از کشورهای

جهانی دوم مطرح و به شکلی شئی پرستانه مقبولیت یافت. با عبور از دهه های توسعه به سرکردگی آزانس های سازمان ملل به دو مدل توسعه در سطح بین المللی برمی خوریم. مدل نوسازی (سرمایه داری) که مبتنی بر فلسفه ها و عقاید لیبرالیستی است و دومی که راه رسیدن به دولت سوسیالیستی است با میرانی کم و بیش از مارکسیسم - لنینیسم ... پاسخ جهان سوم به این دو مدل توسعه، مقولاتی چون تئوریهای وابستگی، خودکفایی و خودمختاری فرهنگی بود... این دو مدل توسعه وجوه مشترکی داشتند... سیاست معطوف به قدرت بمثابة هسته روابط بین الملل... ماتریالیستی بودن و اتکا به کالاها و ارزشهای اقتصادی... غلبه دادن فاکتورهای سیاسی و اقتصادی بر فرهنگ... تکنولوژی زندگی... ایجاد بوروکراسی، وسایل ارتباط توده وار، فرهنگ توده وار و جامعه توده وار... با سقوط مدل دوم، مدل اول حاکم شد و بر گسترش دیدگاههایش به کل جامعه بشری تأکید ورزید.»<sup>۲۴</sup>

این بحث عمق مسأله را نشان می دهد.

## جنبه نظری موضوع

در حال حاضر دو الگوی حاکم در جهان ارتباطات، به چشم می خورد یکی از این الگوها همان پارادایم نوسازی<sup>۲۰</sup> و دیگری ارتباطات بومی<sup>۲۱</sup> است. در درون پارادایم نوسازی ارتباطی، مقولاتی چون جهانی سازی<sup>۲۲</sup>، بازارهای آزاد و به اصطلاح انقلاب اطلاعات<sup>۲۳</sup> حضور دارند و الگوی دوم چیزی جز اتکا به زیرساختهای سنتی ارتباطی نیست.

معتقدان به الگوی دوم، ابزارهای ارتباطی را صرفاً «شکل» ارتباط دانسته و مضمون و محتوای ارتباطات را نه پدیده ای قرن بیستمی، بلکه مفهومی کهن تر از «زبان» می دانند. از دیدگاه معتقدان به الگوی دوم هر که میکروفونی در برابر خود دارد، الزاماً دانش بیشتری ندارد. هردو الگوی پیش گفته، بحث مهم توسعه و ارتباطات را در درون خود حمل می کنند. رئیس برنامه ارتباطات بین المللی دانشگاه امریکن در این باره می گوید:

«مفهوم توسعه به سرعت پس از جنگ

## ■ جبهه‌های دیداری - شنیداری،

برنامه‌های کودکان، رژیم  
تمرکز در مالکیت رسانه‌ها و  
تلویزیون کابلی از سوی  
خصوصی‌سازی در آمریکا  
مورد حمله قرار گرفته‌اند.

## ■ در حال حاضر دو الگوی حاکم

در جهان ارتباطات به چشم  
می‌خورد: پارادایم نوسازی و  
ارتباطات بومی.

## ■ جریان آزاد اطلاعات روایت

قرن بیستمی تجارت آزاد است  
و حاکمیت رسانه‌های فراملی  
بر اطلاعات به قانون‌گذاری  
توسط سازمان ملل نیاز دارد.

روبه‌توسعه که دیدگاه‌های متفاوتی درباره  
نحوه سازماندهی و اداره شبکه‌های  
اطلاعاتی و ارتباطی دارند؛

۴. نوع مهم و جدید دیگری از تنش و  
کشمکش که از تلاش برای کاربرد  
شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی در  
چارچوب تجاری ناشی می‌شود. ۲۶

در ترسیم بیشتر این چشم‌انداز ارتباطی که  
باز هم از طریق نهادهای ارتباطی بین‌المللی  
نظیر یونسکو و برنامه «استراتژی نوین  
ارتباطی» آن رقم خواهد خورد، دکتر معتمدنژاد  
می‌نویسد:

«تقارن زمانی آغاز دگرگونی هدفها و  
فعالیت‌های یونسکو\* در مورد اطلاعات و  
ارتباطات، با فروپاشی دیوار برلن در پاییز  
۱۹۸۹ و فرایند سریع زمینه‌سازی و  
شکل‌گیری سیاستها و برنامه‌های ارتباطی  
در سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱، همزمان با  
روگردانی کشورهای اروپای شرقی از نظام  
سوسیالیستی مطلق‌گرا و سقوط اتحاد  
 جماهیر شوروی، در ایجاد «استراتژی  
نوین ارتباطی» مذکور، تأثیر مستقیم  
گذاشتند. به طوری که از آن پس، بر اثر خلاء  
همبستگی‌های قبلی دولتهای سوسیالیستی  
و دولتهای غیرمتعهد جهان سوم در  
یونسکو و فراهم آمدن امکانات بیشتر برای  
اجرای سیاستهای جدید قدرتهای بزرگ  
سرمایه‌داری غربی در مسیر گسترش  
اقتصاد بازار آزاد، برای نفی آرمانهای «نظم  
نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات» که به

تدارک برابری ارتباطی و تعادل اطلاعاتی  
و تحکیم حاکمیت ملی و هویت فرهنگی  
کشورهای در حال توسعه، معطوف بودند،  
نیز شرایط مساعدتری فراهم گردیدند.» ۲۷

دکتر معتمدنژاد علی‌رغم بررسی  
موشکافانه سیاستها و برنامه‌های ارتباطی  
یونسکو و اشاره به پاره‌ای وجوه مثبت آن  
می‌افزاید:

«به سبب شرایط کلی حاکم بر جهان و  
محدودیت‌های بسیار شدید یونسکو،  
نمی‌توان انتظار داشت که سیاستها و  
برنامه‌های ارتباطی جدید این سازمان  
جهانی، در تحقق هدفهای مهم آن برای  
پیشرفت دموکراسی و توسعه عملاً مؤثر  
واقع شوند.

... بدین‌گونه با تسریع روند  
جهانی‌سازی اقتصادی، که از اوایل دهه  
۱۹۸۰ با تلاشهای ایالات متحده آمریکا در  
جهت «مقررات زدایی» و «آزادسازی»  
فعالتهای ارتباطی در سراسر دنیا، دنبال  
می‌شود و تمرکزگرایی و انحصارخواهی  
فزاینده کمپانیهای عظیم غربی، از مظاهر  
عمده آن به‌شمار می‌رود، کوششها و  
اقدامهای تازه یونسکو در زمینه آزادی و  
استقلال و کثرت‌گرایی ارتباطات، در عین  
حال که با توسعه آزادی‌گرایی اقتصادی و  
حمایت از آزادی‌گرایی سیاسی هماهنگی  
دارند، با نوعی تعارض روبرو می‌شوند.» ۲۸

ارزیابی ماتلار را می‌توان نقطه پایانی  
جمع‌بندی دکتر معتمدنژاد از وضعیت  
خصوصی‌سازی ارتباطات قلمداد کرد:

«فرایند مقررات زدایی و  
خصوصی‌سازی نظامهای ارتباطی و  
اطلاعاتی، امکان دسترسی به عرصه‌ها و  
اهدافی را فراهم ساخته است که تا دیروز  
به نام نفع و صلاح عمومی و یا به نام  
حمایت از اقتضای آسب‌پذیر جامعه،  
عرصه‌هایی کاملاً محصور قلمداد  
می‌شدند ... تفوق جدید بازار، ایده‌های  
تجاری و «روح شرکت» کارهای زیادی با  
این عرصه‌ها دارند.» ۲۹ □

## پانویس‌ها:

1. Watson, James and Hill, Anne. A Dictionary of Communication and Media Studies. second Edition. Edward Arnold, 1990, P. 54.
۲. شیلر، هربرت. اطلاعات و اقتصاد بحران، ترجمه یونس  
شکرخواه، کانون ترجمه و نشر آفتاب، تهران، بهار ۱۳۷۵.
3. Shafritz, Jay M. The Dorsey Dictionary of American government and politics. the Dorsey press/ 1988/ pp. 444-445.

۴. شیلر، پیشین، صص ۴۰ تا ۴۳.

5. Mattelart, Armand, Advertising International, the privatization of public space. translated by Michael chanan. Comedia book. 1991/ p. 86.

6. Ibid.

۷. شیلر، پیشین، صص ۴۷.

۸. برای اطلاعات بیشتر در این باره رجوع کنید به بخش  
پنجم کتاب ماتلار (پانویس شماره پنج) تحت عنوان  
The vanguard of Deregulation.

9. New world Information and Communication order.

۱۰. دکتر معتمدنژاد، کاظم. همکاریهای ارتباطی منطقه‌ای  
در معارضه جهانی‌سازی اقتصادی و هویت‌جویی فرهنگی، رسانه،  
فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، سال ششم،  
ش ۳، پاییز ۱۳۷۳، صص ۲.

11. World press Freedom Committee.

12. Traber Michael and Nordenstreng, Kaarle. (edited). Few voices, many worlds, towards a Media Reform, world Association for christian communication. 1992 pp., 4-5.

13. Amadou Mahtar M'Bow.

14. The International principles of professional Ethics in journalism.

۱۵. برای دستیابی به کل اصول بین‌المللی اخلاق حرفه‌ای  
در روزنامه‌نگاری رجوع کنید به:  
شکرخواه، یونس، خبر، مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها،  
تهران ۱۳۷۴، صص ۱۲۵ تا ۱۲۸.

16. NAMECIA Dclaration.

17. Federico Mayor.

18. Ap, 7 October 1988.

۱۹. برای اطلاعات بیشتر در این باره رجوع کنید به:  
Frederich, Howard. H. Global Communication and International Relations. university of california, 1992.

20. Modernization Paradigm.

21. Indigenous Communication.

22. Globalization.

23. Information Revolution.

24. Mowlana, Hamid, Communication and Development: Theoretical and Methodological problems and prospects paper Delivered before the International Development Research centre (IDRC) and the Consortium of universities, in Montreal Canada, November 22/1994

25. Abuja, B.N History of the press, press laws and Communication, Subject publications. 1988, P. 180.

26. Woodrow, R. Brian, Telecommunication and Information networks: Growing international tensions and their underlying causes, the information society volume 6, p 118

۲۷. دکتر معتمدنژاد، کاظم. دگرگونی سیاستها و برنامه‌های  
ارتباطی یونسکو، رسانه، فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل  
ارتباط جمعی، سال ۶، ش ۳، زمستان ۱۳۷۴، صص ۱۳.

۲۸. همانجا صص ۱۴.

29. Mattelart, op cit, p. 206.

\* برای شناخت بیشتر یونسکو و مصوبه‌های آن رجوع  
کنید به مقدمه دکتر کاظم معتمدنژاد بر کتاب زیر: یک جهان،  
چندین صدا، ارتباطات در جامعه امروز و فردا، ویرایش شن  
مک‌براید، ترجمه ایرج یاد. سروش، تهران: ۱۳۶۹، صص ۱۱ تا  
۲۹.